



هدف‌ها، ایده‌ها و انگیزه‌های ازدواج

در این زندگی جدید، دختر و پسر، زن و شوهر می‌شوند و یک واحد کوچک اجتماعی را تشکیل می‌دهند. آنان مسؤولیت می‌پذیرند، به استقلال می‌رسند و زندگی‌شان هدف‌دار می‌شود. خود، تصمیم‌گیرنده می‌شوند و به این ترتیب، زندگی جدید اجتماعی را آغاز می‌کنند.

برای یک انسان، هیچ مفهومی باارزش‌تر از استقلال نیست. استقلال، او را از وابستگی آزاد می‌کند و در مرحله‌ای جدید از رشد و کمال قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که روی پای خود می‌ایستد و با اراده‌ای نیرومند و فکری آزاد، عهده‌دار اداره‌ی زندگی می‌شود.

ازدواج، مرحله‌ای جدید از رشد و استقلال است و انسان را از یکسان بودن، این سو و آن سو رفتن و بی‌نظمی و پریشانی، بیرون آورده و به او تمرکز و نظم می‌بخشد.

۲- فراهم نمودن یک محیط سرشار از آرامش و امنیت برای همسران:

نیاز به آرامش که ریشه در سرشت آدمی دارد، براساس تعالیم مکتب اسلام یکی از مهم‌ترین و شاید اولین انگیزه‌ی ازدواج محسوب می‌گردد. ازدواج،

برای داشتن یک زندگی زناشویی موفق و پایدار، دختر و پسر یا به عبارت دیگر، زن و شوهر آینده، بایستی قبل از این که چنین تصمیم مهمی بگیرند، هدف‌ها و انگیزه‌های خود را از ازدواج تعریف کنند تا از ایده‌های یکدیگر برای رسیدن به هدف نهایی یک ازدواج سالم و موفق که همانا آرامش و تکامل است، دست یابند. در زیر به برخی از این هدف‌ها و ایده‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- داشتن خودکفایی، استقلال و مسؤولیت‌پذیری در زندگی زناشویی:

دختر و پسر، قبل از ازدواج جزو خانواده‌ی پدر و مادر و تابع آنان محسوب می‌شوند و به طبع خواهان استقلال بوده، اما از این حق مشروع، محروم هستند. محصول کسب و کارشان صرف خانواده شده و خود آنان نیز از آن بهره‌مند می‌شوند. در تصمیم‌گیری‌ها استقلال نداشته و ناچارند از قانون‌ها و ضابطه‌هایی که به وسیله‌ی پدر و مادر بر خانواده اعمال می‌شود، پیروی کنند. به همین دلیل با ازدواج، زندگی دختر و پسر دگرگون شده و شکل جدیدی به خود می‌گیرد.



درحقیقت کانونی تشکیل می‌دهد که در آن زن و مرد احساس آرامش کنند. تنها زندگی کردن، بسیار دشوار و دردناک است. انسان، به انسان دیگری نیاز دارد که امین، درست‌کار، غم‌خوار، مهربان و رازنگه‌دار باشد تا با او انس گرفته و درد دل بگوید، رازهایش را در میان بگذارد، از دل جویی‌ها و غم‌خواری‌های او بهره‌مند گردد تا به آسودگی و آرامش خاطر برسد. بهترین فردی که می‌تواند این نیاز طبیعی را تأمین کند، همسر است. همه‌ی محبت‌ها و دوستی‌ها، موقت و محدود هستند جز دوستی و محبت بین زن و شوهر که دائم و نامحدود است؛ زیرا یک واحد را تشکیل می‌دهند، هدف مشترکی دارند و بیش از هر فرد دیگری به یکدیگر نیازمند هستند. آرامش و آسودگی که در اثر ازدواج حاصل می‌شود، بسیار بااهمیت است. بنابراین، ازدواج، یکی از موهبت‌های بزرگ الهی محسوب می‌شود.

۳- **ارضای غریزه‌ی جنسی به‌طور مشروع و سالم:**
انسان دارای مجموعه‌ای از نیازها و غریزه‌ها است که عدم ارضا یا ارضای ناقص هر کدام از آن‌ها، موجب ایجاد تزلزل در شخصیت او می‌گردد. یکی از نیرومندترین غریزه‌های انسان، غریزه‌ی جنسی است که با ازدواج، این نیاز تأمین گشته و در مسیر طبیعی و سالم قرار می‌گیرد و زن و مرد از انحراف و گناه مصون می‌مانند! بنابراین، تنها وسیله‌ی طبیعی و مشروع ارضای این غریزه، ازدواج و تشکیل خانواده است. اسلام، عمل جنسی را نه‌تنها منفور نمی‌داند بلکه یک سنت و عبادت می‌شمارد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هر کس که می‌خواهد پاک و پاکیزه، خدا را ملاقات کند، باید ازدواج کند.» ضرورت تأمین نیاز جنسی، تنها از بعد جسمانی نباید مطرح شود بلکه در نتیجه‌ی تأمین این نیاز جسمانی، انسان از لحاظ روانی، ذهنی و اخلاقی نیز به آرامش می‌رسد. بنابراین، انسان پس از ازدواج می‌تواند این غریزه‌ی مهم حیاتی را به شیوه‌ای مطلوب و معقول و اجتماع‌پسند ارضا کند و در سایه‌ی آن به آرامش دست یابد.

۶- رسیدن به بهداشت روانی، جسمانی و سلامت اجتماعی:

ازدواج و بنای خانواده، یکی از ارزشمندترین و مقدس‌ترین اقدام‌ها برای هر انسانی تلقی می‌شود، به‌گونه‌ای که هیچ اقدام اجتماعی دیگری را نمی‌توان از جهت ارزشی، با آن مقایسه کرد. خانواده، یک گروه و واحد اجتماعی است که در برگیرنده‌ی بیشترین، عمیق‌ترین و اساسی‌ترین مناسبت‌های انسانی می‌باشد.

۴- **صاحب فرزند شدن و کمک به بقای نسل:**
از دیگر موضوع‌های مهمی که در ازدواج مطرح است و از ثمره‌های بزرگ ازدواج شمرده می‌شود، مسأله‌ی تولیدمثل و بقای نسل است. به بیان دیگر، تولد انسان‌هایی که نیازمند تربیت و پرورش صحیح هستند، از هدف‌های اساسی ازدواج محسوب می‌شود. وجود فرزندان، باعث گرمی، پویایی و صفای کانون خانواده و انگیزه‌ای برای دوام زندگی است.

ازدواج و تشکیل کانون خانوادگی، برای سلامت، امنیت و سعادت اجتماع، سودمند و ضروری است. هرگاه جوانان به‌موقع ازدواج کنند، به کانون گرم خانواده دل ببندند و بنیاد خانواده مستحکم باشند، به‌گونه‌ای قابل ملاحظه از فسادها، پلیدی‌ها، انحراف‌ها، بی‌بندوباری‌ها، تجاوزهای جنسی، قتل و جنایت‌ها کاسته خواهد شد.

۵- **رسیدن به تکامل روحی - روانی و آرامش همیشگی:**
یکی دیگر از انگیزه‌های ازدواج، کمک به رشد و تکامل زن و مرد است؛ زیرا محیط گرم و صمیمی و فضای پر از عشق و محبت خانواده، فرصتی را برای تبادل اندیشه‌ها، رشد اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی زن و شوهر و دیگر اعضای خانواده فراهم می‌کند.

نیاز به آرامش خاطر، معاشرت، درد دل کردن برای غم‌خوار، تشویق و تمجید، مقبولیت و مورد توجه واقع شدن، محبت و... اگر به‌درستی و به‌موقع ارضا نشوند و از جاده‌ی اعتدال خارج گردند، نابسامانی‌ها و زیان‌های فراوانی را در زندگی فردی و اجتماعی پدید می‌آورند.

۶- **صاحب فرزند شدن و کمک به بقای نسل:**
از دیگر موضوع‌های مهمی که در ازدواج مطرح است و از ثمره‌های بزرگ ازدواج شمرده می‌شود، مسأله‌ی تولیدمثل و بقای نسل است. به بیان دیگر، تولد انسان‌هایی که نیازمند تربیت و پرورش صحیح هستند، از هدف‌های اساسی ازدواج محسوب می‌شود. وجود فرزندان، باعث گرمی، پویایی و صفای کانون خانواده و انگیزه‌ای برای دوام زندگی است.

ازدواج، از عامل‌های مهم و مؤثر در ایجاد آرامش و سکون آدمی و عامل اصلی تعادل وجود است. ازدواج، به زندگی زن و مرد جهت می‌بخشد و مرد و زن نگران، مضطرب و سرکش را آرام ساخته و موجبات حفظ سلامت تن و روان آنان را فراهم می‌کند.

۷- **پیدایش عشق، علاقه، صمیمیت و دلبستگی:**
روان‌شناسان، یکی از نیازهای اساسی و مهم آدمی را نیاز به محبت ذکر کرده‌اند. آدمی در هر سن و مرحله‌ای از حیات خویش، به محبت احتیاج دارد و علاقه‌مند است که دیگران او را دوست بدانند و مورد مهر و محبت آنان قرار گیرد. یکی از راه‌های مهم و مؤثر برای ابراز مهر و محبت و برقراری دوستی بین زن و مرد، «ازدواج» است. محبت و همبستگی عمیق روانی و عاطفی، پیوند زن و مرد را تحکیم بخشیده و فضای خانواده را به فضایی صمیمی، گرم، پرتراوت، شاداب و بالنده تبدیل می‌کند.



محمدرضا دژکام

روان‌شناس، مشاور ازدواج و خانواده
عضو انجمن روان‌شناسی ایران